



دکتر جواد حدیدی

رهروان حقیقت

نمود، گروهی از اندیشمندان و آزادفکران رانیز بر آن داشت که علت مسلمان شدن وی را جویا شوند و بدانند چه انگیزه‌هایی او را به پیوستن اسلام برانگیخته و از پیروی آنجانب نیاکان خویش باز داشته‌است. ولتر، بخصوص، در این مورد علاقه فراوان نشان داد. زیرا وی از دیرباز در پی کشف حقیقت اسلام برآمده و درباره آن خوب و بد بسیار گفته بود. و اینک چند گاهی بود که بعدنحال مطالعاتی پیگیر در بهترین و مستندترین آثار زمان خود، نسبت به اسلام گرایشی در او پدید آمده بود، ولی کنت دوبنوال در ۱۷۴۷ در گذشته بود و ولتر که همیشه می‌کوشید در مورد مسائل تاریخی و مذهبی مستقیماً با شاهدان عینی گفت‌وگو کند از تماس با او محروم بود. لذا بر آن شد که هرگاه نوشته‌یی از بنوال بر جای مانده باشد بر آن دست یابد. و از این راه برانگیزه مسلمان شدن او آگاه گردد. و چنین نوشته‌یی وجود داشت: کنت بنوال دستنویس خاطرات خود را برای یکی از دوستانش، شوالیه دولاموت ژفرار،

CHEVALIER DE LA MOTTE GEFARD

در پاریس فرستاده

بود. وی در سال ۱۷۶۳ ضمن نامه‌یی به ولتر اطلاع داد که این خاطرات را در اختیار دارومی‌تواند آنها را برای او بفرستد. ولتر در جواب چنین نوشت:

«... با تشکر فراوان دستخط کنت دوبنوال را که

این، یکی از ویژگیهای اسلام است که اگر اهل در گرویدن به آن نیست، زیرا در آئین اسلام «راستی از کثرت باز شناخته شده است، و هر کس از کثرت روی گرداندن به راستی گردد به بندی استوار در آویخته است که هرگز گسسته نخواهد شد». شاید همین آزادی در انتخاب دین انگیزه‌یی باشد که بسیاری از جویندگان راستی و درستی را به مسلمانان راه نموده‌است. سرگذشت برخی از اینها که در شهر و دیار خویش هیچ چیز کم نداشته‌اند و از همه نعمتها برخوردار بوده‌اند و باز هم به مسلمانان روی آورده‌اند و در نتیجه مواعیت اجتماعی خویش را از دست داده‌اند، شگفت‌انگیز است.

یکی از این جویندگان حقیقت کنت دوبنوال

CONTE DE BENNEVAL

بزرگ‌زاده‌یی فرانسوی است که در سال ۱۶۷۵ در فرافسه چشم به جهان گشود و در جوانی به مقام ژنرال‌ی رسید و در جنگهای متعدد افتخارات نظامی کسب کرد. ولی سرانجام از همه آنها چشم پوشید و به تسطنطنیه رفت و در آنجا به دین اسلام گروید. ترکان عثمانی هم مقدمش را گرامی داشتند و او را به لقب پاشائی مفتخر کردند و «احمد پاشا» نامش نهادند.

این‌واضع دردنیای مسیحیت انعکاس نامطلوبی داشت و مسیحیان معتقد را از کنت و ژنرال پیشین فرانسوی بیزار

می‌خواهید به من هدیه کنید دریافت خواهیم داشت و هر گونه که شما دستور دهید از آن استفاده خواهیم کرد. اعتراض می‌کنم که بدافستن علل مسلمان شدن کنت بسیار علاقه‌مند هستم... زیرا در دین محمد چیزی وجود دارد که اعجاب همه را برمی‌انگیزد» (۱)

چندی بعد ولتر وصول دفتر خاطرات را اعلام می‌دارد و در مورد مولف آن: بشیوه همیشگی خود، نیش و نوش را در هم آمیخته می‌گوید:

آقای شوالیه! «خاطرات» پاشای شما را خواندم و از ماجراهای فرلوان زندگی او آگاه شدم. به نظر من کلاه و به کمی مغز بیشتر احتیاج داشته تا به عمامه ترکها! (۲) ولتر تظاهر می‌کند و گرنه نوشته بنوال در او اثر بسیار بخشیده است. زیرا از همین تاریخ است که در داوری خود درباره شخصیت پیامبر اسلام تجدید نظر می‌کند و به دفاع از آئین او می‌پردازد. دلائلی که بعدها برای اثبات برتری اسلام نسبت به مسیحیت خواهد آورد، نیز همان دلائلی است که در خاطرات کنت دوبنوال آمده است: محمد آئین یکتاپرستی را به جهانیان آموخت، زکوة و کمک به هموع را واجب نمود و قمار و شراب را حرام داشت. ولتر این «خاطرات» را در سال ۱۷۷۶ در «تفسیر تاریخی» که نوعی «اتوبیوگرافی» است و گوشه‌هایی از زندگی او را روشن می‌کند گنجانیده است.

«تفسیر تاریخی» دو سال پیش از مرگ ولتر نوشته شده و در حقیقت اعترافنامه اوست «زیرا قرار بر این نبوده که در زمان حیات او منتشر شود. واگنییر: WAGNIERE منشی ولتر، پس از مرگ او این مجموعه را منتشر کرد و خود را مولف آن معرفی نمود. ولی چندی بعد بر اثر بررسی‌های ناقدان ادبی کذب ادعای او ثابت شد و «تفسیر تاریخی» جزو آثار ولتر به شمار آمد و در کلیات اودج گردید. بنابراین ولتر نیز، مانند اسکار مانتادو SCAR MENTADO قهرمان داستان معروفش از مسلمان شدن بی‌بی نداشت ولی از ختنه شدن می‌ترسید! (۳)

یکی دیگر از شخصیت‌های برجسته فرانسوی که در عین حال اهل علم و مطالعه و تحقیق و از آزاداندیشان اوایل قرن هجدهم بود و در هیات و نجوم نیز اطلاعات وسیعی داشت، و باین همه به دفاع از اسلام و بنیانگذار آن پرداخت هانری کنت دو بولن ویلی به

HENRI CONTE DE BOULAINVILLIERS

بود. البته وی به قسطنطنیه رفت و به کسوت پاهائی در نیامد، ولی چنان در دفاع از اسلام کوشید که اورا به مسامانی متهم کردند و پنداشتند که مسلمان مرده است. شاید هم برآستی چنین بوده باشد. در هر حال او یکی از پژوهشگرانی بود که پیش از ولتر روایات ضد اسلامی مسیحیان را رد کرد و آنها را دوران انصاف و عقل و منطقی و زائیده کوه نظری و تعصبات مذهبی دانست. کتاب «زندگی محمد» او در شناساندن حقیقت اسلام به فرانسویان قرن هجدهم و در پرورش افکار ولتر بسیار کارگر بوده است، و از این لحاظ ولتر سخت مدیون اوست. هر چند وی نیز همانند برخی از محقق نمایان امروزیین در معرفی آموزگاران خود گاه غفلت می‌ورزد و از بازگفتن نام آنان خودداری می‌کند، ولی شواهدی در دست هست که نشان می‌دهد آثار بولن ویلی به را خوب می‌شناخته و با او در اواخر حیاتش آشنا بوده است. از جمله این شواهد نامه‌ی است که ولتر در سال ۱۷۵۶ به یکی از دوستانش نوشته و در آن اظهار داشته که بولن ویلی به بسالها قبل مرگ او را

در سن سی سالگی پیش‌بینی کرده بوده است. آن گاه بالحنسی مطابقه آمیز می‌افزاید:

«اینک بیش از سی سال است که من هر روز بولن ویلی به را گول می‌زنم و نمی‌میرم و از این نظر خاصه آن از او پوزش می‌خواهم...» (۴)

«زندگی محمد» بولن ویلی به نخستین کتابی است که به زبان فرانسوی درباره پیامبر اسلام نوشته شده و او را از اتهامات ناروای مسیحیان قرون وسطا تیرنه کرده است. عمر مولف کفاف نداده که نوشته خود را به پایان برد و اثر آن را در روشن کردن ذهن اروپائیان قرن هجدهم ببیند. ولی کتاب، که پس از مرگ وی در ۱۷۲۲، به صورت نسخه خطی دست به دست می‌گشت، سرگذشت جالبی پیدا کرد. در سال ۱۷۲۹، یکی از ناشران انگلیسی، با توجه به اعتبار بولن ویلی به در میان روشنفکران قرن هجدهم، و همچنین با توجه به رواج نسخه‌های خطی آثار او، بر آن شد که «زندگی محمد» او را چاپ و منتشر کند. چون کتب ناقص بود، ناشر مذکور به گاینییر GAYNIER

استاد زمانهای اسلامی در دانشگاه آکسفورد، پیشنهاد کرد آن را تکمیل و برای انتشار آماده سازد. گاینییر به از او می‌خواهد که نسخه خطی کتاب را برایش بفرستد تا هر گاه مطالب آن را مغایر دیانت مسیح ندید و مصلحت دانست، به اتمام آن همت گمارد. ولی ناشر، که از مضمون نامه به طرز فکر گاینییر به بی‌برده بود، تکمیل نسخه خطی را به دیگری واگذار نمود و دو سال بعد آن را به چاپ رسانید. گاینییر پس از اطلاع بر نصیبه سخت برآشت و در این باره چنین نوشت:

«یک سال بعد با کمال تعجب دیدم که «زندگی محمد» بولن ویلی به منتشر شده است... ولی افسوس که دیگر از من کاری ساخته نبود و گرنه به ناشر آن توصیه می‌کردم که این دو معلم را در نقطه بکشد و آن را بکراست به دورخ بنویسد...» (۵)

از این رو برای اثبات حقیقت دین مسیح و برای رسوا کردن بولن ویلی به و «رعان مذهبی» «زندگی پیامبر اسلام» را خود به رشته تحریر درآورد و در سران کوشید تا از روی بولن ویلی به و ناشر آن تادیب کند. اما کتاب بولن ویلی به همچنان در میان روشنفکران راه می‌یافت و در همان سالهای نخستین انتشار به زبانهای انگلیسی و آلمانی و هلندی نیز ترجمه شد.

این کتاب شامل دو بخش است. در بخش نخست مولف، با استناد به ماخذ موجود و نیز به یاری تبوغی که در حل مشکلات تاریخی داشته است، تصویری روشن از پیامبر اسلام رسم می‌کند و علیه زاویان متعصب مسیحی که بنیانگذار اسلام را مردی مصرع می‌دانستند اظهار می‌دارد:

«محمد قانونگراری خردمند و بزرگ بود که دینی تهذیب یافته برای جهانیان آورد. خدائی که بر همه چیز آگاه است او را فرستاد تا مسیحیان گمراه را متنبه گرداند، پتھا را خرد کند، ایرانیان خورشیدپرست را مطیع سازد و آئین خداپرستی را از دیوارهای چین تا سواحل اسپانیا بگستراند...» (۶)

و باز:

«محمد صفاتی عالی داشت و الطاف خداوندی فصاحتی فوق انسانی به او عطا کرده بود، چنان که می‌توانست نادانترین و نیز خردمندترین مردم روزگار خود را متقاعد سازد. به دین اسلام معتقد گرداند.» (۷)

تعدد زوجات را عملاً لغو کرد، زنان را به مقامی شایسته و ستایش آمیز در جامعه ارتقا داد، ربا و قمار را که رهم زننده آرامش زندگی است، تحریم نمود، طلاق را مجاز دانست، کمک به همنوع را جزو واجبات دین به شمار آورد و غیره ...
معاصران بولن ویلی به حق داشتند او را مسلمان بیندازند، زیرا کمتر مسلمانی تا کنون در ستایش از دین خود چنین کوشیده است. کاری که او کرد ارزشی بیش از مسلمان شدن صوی داشت، او اثری برجای گذاشت که در سراسر قرن هجدهم راهنمای رهروان حقیقت بود، و اینان پر شمار بودند...

حواشی:

- ۱- در این باب مکاتبات و لتر را در سال ۱۷۴۳ ببینید.
- ۲- اسکار ماتتادو: پس از آن در لیسن و در دیگر بلاد مسیحی مورد شکنجه و آزار مسیحیان، همکیشان خود قرار می گیرد، به دیار مسلمانان، در قسطنطنیه، روی می آورد. در آنجا، برخلاف انتظار ترکان با وی بی نهایت رفتاری کند. فاضی ترک از او می خواهد مسلمان شود. وی می گوید که از مسلمان شدن بی می ندارد ولی از ختنه شدن می ترسد!
- ۳- کلیات ولتر، جلد ۱۷، صفحه ۴۴۸
- ۴- «زندگی محمد»:
- ۵- تالیف گابریل به صفحه ۶
- ۶- Heuri de Bonlainvilliers: Lavie de Mahomet صفحه ۱۷۷
- ۷- همان کتاب، صفحه ۱۶۴
- ۸- همان کتاب، صفحه ۱۴۳
- ۹- همان کتاب، صفحه ۱۴۴
- ۱۰- همان کتاب، صفحه ۲۶۸

بولن ویلی به در بخش دوم کتاب به توصیف مبانی اسلام می پردازد و در این جائیز داد سخن می دهد:
«آئین محمد چنان خردمندانه است که برای تبلیغ آن هیچ نیازی به جبر و قهر نیست. کافی است اصول آن را برای مردم شرح دهند تا همه رابه آن معتقد گردانند...» (۸)
راویان متعصب مسیحی که بر اثر اعتلای اسلام جا و مقام خود را در خطر می دیدند، ذهن مردم را نسبت به بنیانگذار اسلام مشوب می ساختند و آئین او را شیطانی و نابخردانه معرفی می کردند تا آنجا که در میان مسیحیان معمول شده بود هر داستان مبتدل و غیر معقولی رابه دین مسلمانان تشبیه می کردند. در برابر اینان بولن ویلی به با شجاعت بسیاری گوید:
«اصول دین محمد چنان با عقل انسانی سازگار است که در مدتی کمتر از پنجاه سال اسلام در قلب نیمی از مردم روی زمین جای گرفت...» (۹)

و سپس از روی تقیه چنین می افزاید:
«آنچه محمد گفته بود همه صحیح است و جز دین مبین مسیح دینی در دنیا وجود ندارد که تا این حد خردمندانه باشد و تا این اندازه نیکوکاران را به نیکی تشویق کند و بدکاران را از خشم خداوندی بر حذر دارد» (۱۰)
کسانی که «زندگی محمد» بولن ویلی به را می خوانند کتاب دیگر او را، «شبهه‌ی دردین» نیز می شناختند و بر انتقادهای او از مسیحیت آگاه بودند و می دانستند که وی وقتی چندان به این «دین مبین مسیح» نمی گذاشته و آن را سر بلای می کرده است. در واقع ناگزیر از این کار بود زیرا چنان در ستایش از اسلام و بنیانگذار آن کوشیده است که نوشته او خواهد ناخواه خشم یک مسیحی خوب قرن هجدهم را برمی انگیزد و او را از خواندن کتاب باز می دارد. مدیحه سرائی او تنها درباره اخلاقیات پیامبر اسلام و اصول آئین او نیست، بلکه وی فروع دین اسلام را نیز مشحون از حکمت و عقل می باید و در وصف آنها، حتی در توجیه منتهیات و مجرمات، همه دایش خود را به کار می گیرد. مثلاً: محمد

روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

